



صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
سر دبیر: دانیال معمار

معاون ضمايم: پروانه بهرام نژاد
دبیر ویژه نامه: مهلا داریان

واحد فنی:

مدیر فنی: حامد یزدانی، مدیر هنری: مهدی سلامی
صفحه آرایی: مجید اصغری
عکاس: فاطمه صفامنش
ویرایش عکس: مرجان عبداللهیان، صفحه خوانی و حرفه‌ی: همکاران واحد فنی تحریریه
و با تشکر ویژه از دیگر همکاران موسسه همشهری

چاپ:

همشهری
پذیرش آگهی: ۸۴۳۲۱۰۰۰

صندوق پستی:

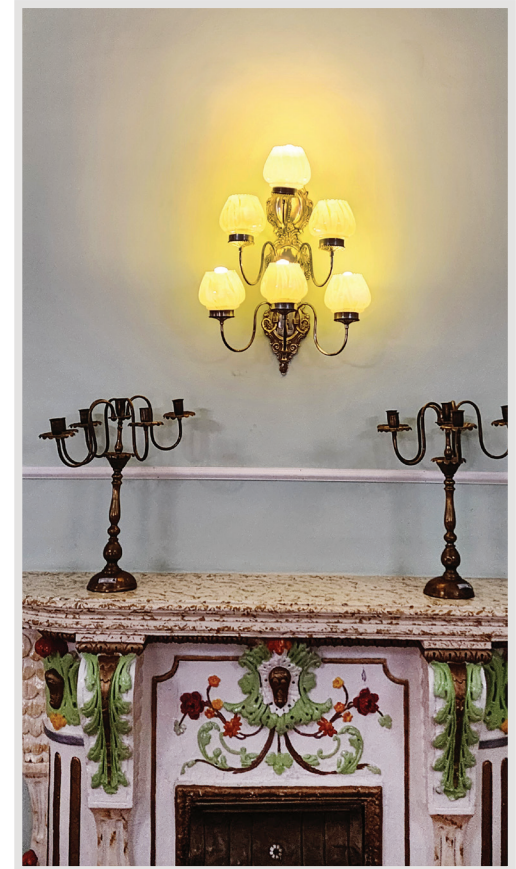
۱۹۳۹۵/۵۴۴۶
تلفن: ۲۳۰۲۳۶۶۳

همشهری

گروه ضمايم همشهری ناشر نشریات:

دوچرخه، بچه‌ها، خانواده، پایداری، اقتصاد،
تندرستی، خردنامه، داستان، دانستنیها،
سرزمین من، ماه، معماری، ۲۴، شهر نگار،
سرخ و محله

نشانی: تهران، خیابان ولیعصر، نرسیده به پارک وی،
کوچه شهید قریشی، شماره ۱۴، روزنامه همشهری



رختشویخانه خاص، شبی ۵ میلیون تومان

خاک این روستا غنی از گچ است و به همین دلیل، آن را «گچسر» نامیده‌اند

دوم به خاطر قابلیت خوب این منطقه از لحاظ آب و هوا هتلی با ۱۳۰ اتاق و معماری روز هتل سازی هم کنار مهمانخانه ساخته شد. بعد از انقلاب بنیاد مستضعفان این هتل را در مجموعه هتل های پارسپان قرار داد و در سال ۱۳۹۵ آن را به بخش خصوصی فروخت که اکنون اقامتگاهی خاص برای سفری رویایی است. گفت و گویمان که تمام شد به عمارت رضاشاهی سری زدیم؛ ساختمانی یک طبقه که سرتاسر آن پنجره‌های قدی بزرگی داشت و ستون‌هایی آبی رنگ در ایوانی که رو به باغی کنار رودخانه مشرف بود جلوه‌ای خاص داشت. این بنا توسط بخش خصوصی و با هماهنگی وزارت میراث فرهنگی در حال مرمت است و به زودی به یک کاخ موزه تبدیل می‌شود که به جاذبه‌های این جاده زیبا می‌افزاید.

درون آن خیره می‌شدند و با هم گپی می‌زدند. در ساختمان کناری مهمانخانه هتلی هم ساخته شده. در پذیرش هتل، خانمی ایستاده بود که استقبال گرمی از ما کرد و اتاق‌های تاریخی هتل را به ما نشان داد. یکی از این اتاق‌ها که بسیار حرفه‌ای بازسازی شده بود رختشویخانه هتل بود که اکنون به یک اتاق وی‌آی‌پی شبی ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان برای مهمانان خاص تبدیل شده است. هنوز دیوارهای سنگی و تیرهای چوبی ۹۰ سال پیش به همان شکل سابق بود و دنیای سنتی و مدرن، تلفیقی زیبا را طراحی کرده بود. به دنبال اطلاعات دقیقی از تاریخ این هتل و عمارت رضاشاهی بودیم و خانمی که در پذیرش بود، گفت که مدیریت هتل از افراد با سابقه در صنعت گردشگری است و اطلاعات دقیقی از این بنا دارد.

رانندگی در جاده چالوس، مهارت خاصی می‌خواهد و هرکسی نمی‌تواند به راحتی در این جاده رانندگی کند، چون تمام مسیر، سربالایی و دارای شیب‌های تند و پیچ و خم‌های خطرناک است. کوره‌های گچ‌پزی کنار جاده خاطره‌ای محو را برپایمان زنده کرد. در سال‌های دور، بوی بد این کوره‌ها نشان از رسیدن به روستای گچسر داشت و همه خودروها پنجره‌هایشان را می‌بستند. گاهی دود کوره‌ها آنقدر زیاد بود که مانند مه، جاده را فرا می‌گرفت و سرعت خودروها را کم می‌کرد. کارگرهای سیاه‌چرده کنار کوره‌ها پارچه‌هایی دور دهانشان می‌بستند و بی‌توجه به مسافران شاد و خرم جاده چالوس، مشغول کاری سخت بودند. اکنون همان کوره‌ها ساکت و تنها کنار هم ایستاده بودند و این بار آنها ما را تماشا می‌کردند. از کنارشان گذشتیم و به کاخ رضاشاهی رسیدیم. گچسر دیگر بوی بد کوره‌های گچ‌پزی را نمی‌دهد و مقصدی خاص برای سفری جذاب و یک‌روزه است.



با بهمن حدادی، مدیر هتل در اتاقی قدیمی که در همان مهمانخانه بود به گفت‌وگو نشستیم. او کاشی‌ای قدیمی را که از کنار پنجره‌های مهمانخانه هنگام بازسازی پیدا شده بود، نشانمان داد و گفت: پشت این کاشی عدد ۱۳۰۹ حک شده که نشان‌دهنده تاریخ ساخت این بناست. این نخستین کارخانه ساخت تولید کاشی در ایران بوده به نام کارخانه کاشی مقدم که برای تمام کاشی‌های این مهمانخانه از تولیدات این کارخانه استفاده شده است. مساحت این مجموعه ۳۰ هزار مترمربع است که متعلق به بنیاد پهلوی بود؛ عمارتی هم به نام قصر رضاشاهی در اینجا وجود دارد که استفاده از نام قصر برای آن درست نیست چرا که پهلوی اول برای بازدید و نظارت بر ساخت جاده و تونل کندوان به این معبر می‌آمد. این ساختمان محل استراحت او بوده است. بعد از تاسیس جاده چالوس و افتتاح تونل کندوان، این جاده یکی از پرترددترین جاده‌های کشور شده و در سال ۱۳۳۰ و دوران پهلوی

تصمیم گرفتیم ناهار را در هتل تاریخی نگین گچسر بخوریم و از عمارت رضاشاهی دیدن کنیم. سالن غذاخوری، همان حال و هوای قدیم را داشت و سماوری قجری در انتهای سالن در حال جوشیدن بود. لوسترهایی بزرگ از سقف‌های بلند آویزان بود و گچ‌بری‌های سقف با گل‌های رز برجسته با رنگ‌های زنده، معماری باشکوه ایران باستان را تداعی می‌کرد. غذا کیفیتی خوب و قیمتی مناسب داشت. بعد از ناهار در کافه هتل چرخی زدیم. پنجره‌های قدی و پرده‌های مخملی سرخ رنگ جلوه‌ای خاص داشت و چهار شومینه با گچ‌بری زیبا و نقش برجسته در چهار گوشه اتاق ساخته شده بود. چشمانمان را بستیم و روزگاران قدیم را تصور کردیم؛ آنهایی که در ساخت این جاده زیبا زحمت کشیدند، در تاریکی شب‌های سخت زمستان کنار این شومینه‌ها می‌نشستند، به سوختن چوب‌های